



۲۰۱۹/۰۵/۲۸



س. ح. روغ

به اوضاع جاری وطن را چگونه دریابیم؟



گفتار بیستم

گفتیم که در اول جوزا هیچ چیزی رُخ نمی دهد!

ترور های انفرادی که در این روز ها درکابل تشدید شده اند؛ شهادت خانم منگل، مولوی ریحان، کامه وال و دیگران؛ اگر از یکطرف هشدار می دهند که حرکت بسوی خلای قدرت و «حکومت موقت»، چی ببارمی آورد؛ از طرف دیگر نشان می دهند که نظام ترور بدلیلی بلامانع عمل می کند، که در داخل کابل جابجا است! فقط یک گام دیگر و خلای قدرت نازل شده است! و خلای قدرت، مصیبت کابل شده است! خلای قدرت به نفع هیچکس نیست!

دستگیری چند هزارتن مواد انفجاری که از پاکستان آورده می شد، نشان میدهد که ترور از کدام طرف صادر می شود؛ و دستگیری دلاورخان پاکستانی، از سازماندهندگان بالا رتبه شبکه ترور، که نعوذبالله نعوذبالله، و اما بعد! مشاور جناب مسلمیار رییس سنا برآمد، نشان می دهد که نظام ترور در حوضچه مقامات بلند پایه کابل شنا می کند؛ اما تشدید ترور با شوق های پس از اول جوزا، و دهن کجی شهوتزده برای بی ثبات ساختن، و بی ثبات نشان دادن، اوضاع در کابل پیش از انتخابات هم رابطه دارد؛ تشدید ترور با تشدید جادو و جنبل برای خیز زدن بالای چوکی اول متناسب است؛ همه تلاش دارند «چوکی نشین تنبلک» بازی کنند!

اخبار خجالت آور درباره فحشا و فساد که در این وخت پیش پای داکتر غنی پیر هموار می شوند، چیز نوی نیستند؛ نیویارک تایمز در ۱۵ جنوری ۲۰۱۸ نوشت: «عطانور در حالی که ساعت اومیگای ۲۷ هزار دالری، و انگشتتری با ۲۰ نگین الماس به دست داشت درباره فساد حرف می زد»! رسانه های آلمان می نویسند که عطانور یکی از مهمترین «نارکولارد» های منطقه است!

فحشا و فساد از ارکان تأسیسی دستبازی های ژولیده ای هستند، که از دستان دیگران پایان لولیده اند؛ رسانه ها گفتند که سفیر صایب انگلیس در کابل هم گیر شده که در این شورماشور گلونگیر شده!

بی آبرویی سفیر انگلیس خوب شی نیس، دگه! دیپلماسی حاذق انگلیس فوراً سفیر صایب خود ره کله رازق کرد و یک سفیر نو به کابل زمینگیر شد؛ و هوشیاری خارق العاده انگلیسی لازم بود تا این سفیر نو، یک زن باشد!

انگلیس اینک با زن و مرد در میدان جنگ افغانستان حاضر است: اگر انگلیس دیپلماسی را به زنان وا گذاشته است؛ اما مردان را به جبهه صلح گماشته است؛

آریانا نیوز گزارش داد که جناب مایکل سمپل، بریتانیایی معروف، تحت پوشش مشاور شورای عالی صلح در افغانستان دوباره ظاهر شده است!

خو اگه مشاور رییس سنا، سنگک شده؛ معنایش ای نیس که مشاور رییس صلح، طلحک شده! در دوره جناب کرزی همین جناب سمپل در لشکرگاه دریک چایخانه دور افتاده گیر شد که از شوروی کله نمونه گیری می کرد؛ در لباس افغانی، همراه با قوماندانان طالبان و یک مامور انگلیسی؛ قریب که بی آب شده بود! جناب کرزی پرسیده بود که سمپل صایب در ای هوای بسیار یخ لشکرگاه، چطو که تو کمپل نداشتی؟ برو عکس ها ره ببین، مه ره که ده قندهار کشال کدن، ده همو متراق تابستان بدورم شال کدن! هوش کنی که دغه به افغانستان بدون شال و کمپل نیایی! باز اگه می آیی بنام مای کل و آرتل نیایی! باز تو واری یک مهمات خجسته، و دیپلمات برجسته، تو ره به نمونه شوروی کله چی؟

باز جناب مایکل سمپل صایب به انگلیسی فصیح دیپلمات ها جواب داده بود که معنای نمونه گیری از شوروی کله ره شما روزی می فامین که مه مشاور شوله ده شوروی سوله شوم!

اینمی حالی اونمو روزک استک! و نوروزی گفت که اینالی هر روز ما نوروزک استک! و هوش تان باشه که کار جناب سمپل از کار های بی پای و پل نیس! جایی که انگلیس باشه هنوز هزار ساده ناگفته در لب چاک است! اینه صیب مار ماما! و دل کسی به غنی بیچاره می سوزه! غنی هم هک وپک «ماندس» که اول غم کشمیری ره بخوره، یا دم مارگیری ره بگیره!؟؟؟

هر کس هرچی میگه دلش! یاد شما باشه که طالبان شریف از فراموشک تان نبراین! چون طالبان حتی در همین ماه مبارک رمضان، در داخل مسجد، در مابین صفوف نماز گزاران جماعت، واسکت ره غیزی میکنند و «سُرُنگونه الوزول کیژی» می کنند!

اونه گلبین صیب گفته که انتحاری خو شرعی استک! اگه خطیب مکه و مدینه میگه که انتحاری شرعی نیس؛ اگه ملای اندونیزیایی میگه که انتحاری شرعی نیس، هر دوی شان بد می کنند! صیب ببخشین چرا بد می کنند؟

چون خطیب مکه و مدینه، و خطیب اندونیزیایی، مسلمان نیستن!

نی، براستی؟ خی کی مسلمان اس؟

مه مسلمان هستم!

خو؟ خی دگه شما میگین که انتحاری شرعی اس؟

«بیلکل!!»

ده مسجد هم انتحاری شرعی اس؟

«بیلکل!!»

بهرحال! این قصه ها به گلبدین صیب مبارک!

مسأله این است که قرار معلوم پروژۀ طالبان، طوری که جناب داکتر خلیل‌زاد به پیش می‌برد، به بن بست مواجه شده است؛ جناب داکتر خلیل‌زاد به یک مجلس بازپرسی به سنای امریکا خواسته شد؛ این که همین جلسه هم در بسته و سربسته دایر شد، نشان دارد از این که در پروژۀ طالبان، طوری که جناب داکتر خلیل‌زاد آن را جلو می‌برد، چیزهایی نهفته است که قرار نیست به بیرون درز کند؛ که این ها چی هستند ما نمی‌دانیم، و در آینده هم نخواهیم دانست؛ و این اصلاً مهم هم نیست؛ مهم این است که امروز دیگر هیچکس نمی‌گوید که مذاکرات دوحه با طالبان با آوردن صلح در افغانستان کدام ربطی دارد؛ تأکید رسانه ها پیوسته بیشتر بر این است که این یک پروژه است که امریکا می‌خواهد بوسیله طالبان عملی کند.

در این رابطه چار چیز روی میز آمده است:

یکی این که برای نهای شدن این معامله امریکا با طالبان زمان طولانی لازم است؛ پس انتخابات افغانستان میتواند دایر شود؛ پس امریکا از مزاحمت ها در روند انتخابات افغانستان حمایت نمی‌کند.

دوم این که جناب بولتون بار دیگر بوضاحت گفته است که طالبان [برای معامله با امریکا] مورد اعتماد نیستند؛ سوم این که درباره خود میسیون جناب داکتر خلیل‌زاد در کمیسیون سنای امریکا تردید های جدی ابراز شده است؛ و یک محقق سرشناس امریکایی بنام مایکل روبین که عضو همین کمیسیون بوده، علاوه از این که مجموع پاکت داکتر خلیل‌زاد را زیر سوال برده، برای توضیح نقش و مقام خلیل‌زاد در این معامله تا سالهای ۱۹۹۴ و امور شرکت یونوکال عقب رفته است؛ مایکل روبین با قاطعیت گفته است که امریکا باید روش خود را در مذاکره با طالبان تغییر بدهد؛ زیرا تردید جدی است که روش فعلی به استقرار صلح در افغانستان انجامیده بتواند؛

چنین یک بررسی از فعالیت ها و ماموریت جناب داکتر خلیل‌زاد، یک بررسی علت جویانه و، اصولاً، منفی است؛ این که آیا این شیوه ارزیابی، از ماموریت جناب خلیل‌زاد، مربوط می‌شود به اعتراضات داکتر غنی و داکتر محب و دموکرات های امریکا، برای پاسخ به این سوال هنوز باید منتظر شد؛ اما از این احتمال هم سخن گفته شده است که شاید به ماموریت کنونی جناب خلیل‌زاد پایان داده شود؛

چهارم این که بدنبال اظهارات صریح داکتر محب، رسانه ها و تفسیرها به این عقیده بودند که گویا به نمایش گذاشتن یک بی‌ثباتی سیاسی در کابل، و مجتمع ساختن چهره های بسیار پخچ و بلند زیر نام «اپوزیسیون» و «قانون اساسی»؛ و ایجاد فضای بی‌اعتمادی و هراس و دلهره در کابل؛ و تپ تپ پای او نه طالب آمد، این ها گویا با همین ماموریت جناب داکتر خلیل‌زاد، حداقل بصورت غیر مستقیم، ربط داشته بوده باشند؛

اگر این حدسیات حقیقت داشته بوده باشند، این سوال پیش می‌براید که امریکا چی چیزی را می‌خواسته بدست بیاورد که حاضر بوده در بهای آن یک حکومت طرفدار خود را قربانی بکند؟

این درست است که طی مذاکرات دوحه تلاش شد طالبان از موضع پیروزی وارد میدان سیاسی افغانستان ساخته شوند؛ اما این درست نیست که این جریان برای طالبان یک امتیاز در موازنۀ نظامی بوجود آورده باشد؛ دیروز جنرال اسد خالد وزیر دفاع پیشقدم و موفق افغانستان اعلان کرد که عملیات الفتح طالبان به شکست کامل مواجه ساخته شده است!

دلیلی نداریم بگوییم: طالبان در پی «ایجاد اختلاف بین حکومت افغانستان و احزاب سیاسی این کشوراند»؛ طالبان بخودی خود چنین امکانی ندارند.

اینقلم در نوشته ها و بیاناتی که به طالبان نسبت داده شده اند، به چنین یک مدرکی برنخورده ام که طالبان کدام فهم روشن از نقش و یا مقام خود در «دورنمای ژئوپولیتیک جنگ افغانستان» داشته باشند؛

عمران خان وعده کرده بود که مدرسه های طالبانی را محدود می سازد؛ اما رسانه ها در باره نقش و تصمیم پاکستان درباره جنگ افغانستان کماکان تردید عمیق ابراز کرده اند؛ نشریه «نشنل انترست» نوشته است که طالبان یک نیروی نیابتی پاکستان هستند؛ و پاکستان را متهم ساخته است که مسوول قتل صد ها هزار افغان و هزاران امریکایی است؛

در برابر تروریسم دولتی پاکستان یک عاملی فعال شده است که پاکستان را نگران ساخته است؛ هند با صراحت تهدید آمیزی در مقابل تروریسم دولتی پاکستان موضع گرفته است؛ مودی هنوز پیش از انتخابات با وضاحت گفت که هند در مقابل تجهیزات اتمی پاکستان، سلاح برتر را در دست دارد؛ پاکستان پیش از اعلام نتایج انتخابات هند یک راکت نو بالیستیک میانبرد را آزمایش کرد؛ اما روشن است که پیروزی قاطع مودی در انتخابات موازنه های متعددی را عوض می کند، از جمله نقش فتنه انگیز پاکستان در افغانستان و صدور جنگ به کشور ما؛ از این گذشته پاکستان برای بحران مالی که پیوسته گشادتر می شود، هیچ راه حلی سراغ نتوانسته است؛ هند بلحاظ اقتصادی بسیار نیرومند است. رسانه ها گزارش دادند که تنها مردم هند قریب ۲۵ هزار تن طلا در دست دارند؛ حقیقت این است که پاکستان هم در شق طلا بسیار می فهمد، زیرا نقب زده است تا خود را در زیر طلاهای خانشین هلمند جانشین بسازد!

وزیر خارجه چین نظر دارد که یک فرصت حقیقی برای صلح در افغانستان فراهم شده است؛ وزیر خارجه چین همچنان گفته است که «چین هرگز در امور داخلی افغانستان دخالت نکرده است!» جیمز بیکر وزیر خارجه وقت امریکا زمانی گفته بود: «جهانیان اگر بدانند که چین در جنگ افغانستان چی کارهایی کرده است، در حیرتی بزرگ فرو خواهند رفت!»

روسیه گفته است که وضع در افغانستان پیچیده تر شده می رود و امریکا باید به روسیه مجال بدهد که همکاری بکند؛ روسیه خاصاً حضور داعش در افغانستان را مایه نگرانی عمیق دانسته است؛ و گفته که افزایش نفوذ داعش طبیعت جنگ در افغانستان را عوض خواهد کرد.

در این میان روزنامه انیس با اشاره به داعش تقاضا کرده است که «افغانستان را میدان تقابل قرار ندهید!» این تقاضا از کی شده است؟

بنظر می رسد همه چشم براه یک موفقیت در کنفرانس بن سوم هستند!



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار بیستم)
[Rogh_h_ba_watan_tshikoona_bengarem_۲۰.pdf](#)